

اعتبار سنجی احادیث انتصابی بودن امام در نسخه خطی «سلم درجات» با رویکردی بر شواهد و متابعات فریقین

طاهره ندیمی تهرانی^۱

امیر توحیدی^۲

مجید معارف^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰، صفحه ۴۳ تا ۶۷ (مقاله پژوهشی)

چکیده

انتصاب امام از جانب خداوند یکی از موضوعات مطرح شده در قرآن و منابع روایی می باشد. نسخه خطی «سلم درجات» ابن مشهدی، صاحب تفسیر *کنز اللایق*، از جمله منابع ارزشمند در این زمینه است. با توجه به شواهد و متابعات فریقین و اعتبارسنجی سندی و متنی چهار روایت نسخه خطی در این باب، به روش توصیفی تحلیلی، محرز گردید که صرف نظر از اسناد احادیث که اعتبار آنها مورد اجماع علمای فریقین نمی باشد؛ مضمون روایات از تواتر اجمالی برخوردار بوده، و دارای وثاقت صدوری است. و علم حاصل می گردد که امامت عهدی الهی است که بعد از رسول الله (ص) به امام علی (ع) و فرزندان مطهر ایشان اعطا گردید. و هیچ فرد، گروه و یا شورایی نمی تواند امام و خلیفه بعد از رسول الله (ص) را مشخص کرده و یا برای اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام مصداقی معرفی کند؛ حتی خود رسول خدا (ص) و امام قبل نیز اختیار انتصاب کسی را به عنوان امام ندارند؛ زیرا این مصداق از جانب خداوند از قبل معرفی و به رسول الله (ص) ابلاغ شده است.

کلیدواژه‌ها: ابن مشهدی، نسخه خطی «سلم درجات»، انتصابی بودن امام، اعتبار سنجی، شواهد و متابعات.

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛

tnadimi11@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)؛

amir_tohidi_110@yahoo.com

۳. استاد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ maaref@ut.ac.ir

درآمد

نسخه خطی «سلم درجات الجنه فی معرفه فضایل ابی الأئمه» توسط محمد بن محمد رضا قمی مشهدی (م ۱۲۵۱ق) محدث و مفسر بزرگ شیعه و صاحب تفسیر مأثور «کنزالدقایق» در دوران صفویه نگاشته شده و تاکنون به چاپ نرسیده است. این نسخه مشتمل بر یک مقدمه و چهل حدیث از رسول خدا (ص) در باب فضایل حضرت علی (ع) و رستگاری شیعیان ایشان می‌باشد. در برخی از احادیث نسخه خطی، رسول الله (ص) تصریح فرمودند که انتصاب ابی الأئمه (ع) و ذریه مطهرایشان، به عنوان امام و جانشینان بعد از ایشان، به دستور الهی صورت گرفته است. از آنجایی که این مسئله مورد اتفاق علمای فریقین نمی‌باشد، لازم است احادیث در این باب اعتبار سنجی گردد.

طرح مسأله

در این نوشتار به این پرسش پاسخ داده خواهد شد که، طبق شواهد و متابعات^۴ فریقین و اعتبار سنجی سندی و متنی، چه تعداد از روایات موجود در نسخه خطی «سلم درجات» در باب انتصابی بودن امام، معتبر می‌باشد؟

برای رسیدن به این مهم، لازم است احادیث با استفاده از قرائن و نشانه‌ها تحلیل گردد. حر عاملی در کتاب وسایل الشیعه به ذکر بیست و دو مورد از این قرائن پرداخته (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ۹۶/۲۰-۱۰۴)، و شیخ طوسی در کتاب عدّه الاصول نیز قرائنی ذکر کرده است، که پاره ای از آنها شامل: موافقت با ادله عقلیه، مطابقت با کتاب خدا، موافقت با سنت قطعیه و موافقت با آنچه فرقه امامیه بر آن اجماع نموده اند، می‌باشد (طوسی، بیتا، ۱۴۶۱).
روش این پژوهش در گردآوری داده‌ها: کتابخانه ای و در استناد به داده‌ها: اسنادی، و در تجزیه و تحلیل: شیوه تحلیل محتوای کیفی از نوع توصیفی تحلیلی است.

^۴ حدیث شاهد: به حدیث مفردی که مفهوم آن به سند دیگر نقل شده، اطلاق می‌شود. حدیث متابع حدیثی است که راوی دیگر با راوی آن در نقل از شیخ یا کسی که ما فوق آن شیخ است موافقت داشته باشد. برخی در مقام فرق آن دو بیان داشته‌اند: درست است که در هر کدام از این دو شکلی از عزیز وجود دارد - یعنی در هر طبقه حداقل دو نفر آن را نقل کرده‌اند - ولی این بدین معنا نیست که آن دو یکی می‌باشند چون شاهد اعم از متابع است شاهد گاهی شامل لفظ و معنا گاهی فقط شامل معنا است در حالی که متابع تنها شامل لفظ می‌شود و هرگز به معنا مربوط نمی‌شود. و برخی دیگر گفته‌اند در حدیث شاهد موافقت در معنا معتبر است ولی در حدیث متابع موافقت در لفظ معتبر می‌باشد. (سیوطی، ۱۴۲۰ق، ۲۸۳/۱؛ سخاوی، ۱۴۰۵ق، ۲۵۶/۱).

در باب انتصابی بودن مقام امامت از همان قرون اولیه تا به امروز مطالب بسیاری در کتب فریقین ذکر شده است، و حتی برخی از محدثین و علمای تراز اول شیعه همچون مرحوم کلینی، بخشی از کتابشان را به مباحث مربوط به امامت اختصاص داده‌اند که در خلال احادیث در این باب، به مطالب انتصابی بودن امام پرداخته شده است. هر چند برخی از علمای اهل سنت این امر را بر نمی‌تابند. آنچه این مقاله را از تحقیقات گذشته متمایز می‌کند آن است که در گذشته این احادیث به سبک این مقاله اعتبار سنجی نشده و از سه طریق (اثبات تواتر اجمالی^۵ تحلیل وثاقت سندی و وثاقت صدوری) به اثبات اعتبار احادیث پرداخته نشده است. از طرف دیگر احادیثی در این مقاله اعتبار سنجی شده است که توسط یکی از علمای برجسته قرن یازدهم از کتب فریقین گزینش و در نسخه خطی خود نگاشته است. از آنجایی که این روایات به نقل از مصادر و مستندات فریقین می‌باشد، می‌توان وفاق این موضع را در نگاه شیعه و اهل سنت به اثبات رساند.

۱- انتصابی بودن مقام امامت

از دیدگاه همه علمای شیعه، امامت مقام الهی است؛ از این جهت آن را جزء اصول دین می‌دانند (صدوق، ۱۴۱۸ق، ۲/۲۵؛ محمد بن جریر طبری، ۱۴۱۳ق، ۱۸). ولی علمای اهل سنت دارای نظرات مختلفی هستند. برخی از علمای اهل سنت عقیده دارند که امامت، مقام الهی نیست؛ بلکه امام را خود مردم بر می‌گزینند. طبق دیدگاه آنها، مقام «امامت و خلافت» مقامی است عادی و با ریاست‌های دنیوی فرقی ندارد (رضا، بیتا، ۱/۱۸). از آنجایی که نصب امامت از دیدگاه آنها مربوط به خداوند نمی‌شود، امامت را از فروع دین می‌دانند نه از اصول دین. (تفتازی، ۱۴۱۲ق، ۲/۲۳۲). ولی برخی دیگر از علمای اهل سنت تصریح کرده‌اند که امامت از ارکان دین است. (قرطبی، بیتا، ۲۶۵/۱)

در قرآن آیات زیادی بیان می‌دارد که نصب و جعل امام تنها از جانب خداوند میسر است (البقره/۱۲۴؛ ال عمران/۳۳-۳۴؛ الانبیاء/۷۲-۷۳؛ السجده/۲۴؛ الاعراف/۱۵۹؛ القصص/۵؛ الفرقان/۷۴؛ طه/۲۹-۳۲؛ ص/۲۶). مهم‌ترین آیه امامت در قرآن کریم، امامت حضرت ابراهیم (ع) است. خداوند با بیان «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (البقره/۱۲۴) جعل و نصب امامت او را به خود نسبت داده؛ و با بیان «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (همان) اعطاء مقام امامت را مختص افراد معصوم دانسته که ظلمی

^۵ . تواتر اجمالی: عبارت است از علم به صحت یکی از چند حدیث که در یک موضوع وارد شده باشد. (شانه چی،

اعتبار سنجی احادیث انتصابی بودن امام در نسخه خطی «سَلَم درجات»

نکرده باشند. از آنجایی که تنها خداوند است که فرد معصوم را می شناسد و از ضمیر و اسرار انسان‌ها با خبر است، تنها او است که می تواند امام را معرفی و به مردم بشناساند لذا امام باید منصوب از جانب خدا باشد تا امر هدایت و ولایت مردم به درستی صورت گیرد.

در آیه «واجعل لی وزیراً من أهلی» (طه، ۲۵ - ۳۰) با وجود اینکه حضرت موسی (ع) می توانست برادر خود را به عنوان وزیر با خود همراه کند ولی چون می دانست که این عهدی الهی است و باید از جانب خداوند نصب وزیر و جانشین صورت گیرد از خداوند طلب تعیین وزیر برای خود کرد، اگر جعل این مقام به دست بشر بود، درخواست حضرت موسی (ع) معنا نداشت. علامه مجلسی بر عدم صلاحیت انسان در اختیار و گزینش امام، این گونه استدلال می نماید: «قسمت و تقدیر روزی و مراتب دنیوی به دست خداست؛ پس سزاوار است که مراتب اخروی و درجات معنوی [همانند نبوت و امامت که یک مقام بلند معنوی و خلافت دینی است] نیز به تعیین خدا باشد و خداوند تعیین آن را به بندگان موکول ننماید. عقل بندگان از قسمت درجات دنیوی قاصر است؛ پس به طریق اولی عقل بشر از تعیین امامت که یک ریاست دنیوی و دینی است قاصر است؛ به همین دلیل بشر نمی تواند امام را تعیین کند» (مجلسی، ۱۴۰۳، اق، ۶۷/۲۳).

برای اثبات امامت ابی الائمه (ع) و ذریه مطهر ایشان و انتصاب آنها از جانب خداوند، دلایل عقلی و نقلی بسیاری در منابع فریقین وارد شده است. ابن مشهدی در نسخه خطی به ذکر تعدادی از روایت از مصادر فریقین پرداخته، که در آن تصریح شده که حضرت علی (ع) و فرزندان مطهر ایشان از جانب خداوند به مقام امامت و ولایت امت رسیده اند. برخی از این روایات به شرح زیر می باشد:

۱-۱- معرفی دوازده جانشین رسول الله (ص) از جانب خداوند

ابن مشهدی در مقدمه نسخه خطی به ذکر حدیث قدسی لوح حضرت فاطمه (س) (حدیث جابر) پرداخته؛ که از ابوبصیر آورده که امام صادق (ع) فرمود: پدرم به جابر گفت: ... ای جابر! خبر ده مرا از لوحی که در دست مادرم دیده ای..... جابر گفت: که گواهی می دهم به خدا که چنین در لوح نوشته دیدم.

بسم الله الرحمن الرحیم. این نوشته ای است، از خدای غالب، صاحب دانش، به محمد، پیغمبر و نور او، و رسول و واسطه و دلیل او، که روح الامین از پیش رب العالمین (آن را) آورده است. ای محمد!... مبعوث نکرده ام پیغمبری که ایام او کامل شده باشد، و مدت عمر او منقضی شده باشد، مگر اینکه وصی برای او قرار داده ام. و من تو را بر جمیع پیغمبران تفضیل داده ام، و وصی تو را بر جمیع اوصیای ایشان تفضیل داده ام. و اکرام کرده ام تو را به دو شیر بچه، و دو نواده تو - حسن و

حسین. پس گردانیده ام حسن را معدن علم خود، بعد از منقضی شدن ایام پدرش. و گردانیدم حسین را خازن وحی خود، و اکرام کردم او را به شهادت، و ختم کردم برای او به سعادت. پس او افضل آنان است که شهید شده باشند، و درجه او بلندتر از درجه جمیع شهداست. گردانیدم کلمه تامه خود را با او، و حجة بالغه خود را نزد او. به عترت او ثواب می دهم و عقاب می کنم. اول ایشان علی است که سید عابدین است، و زین و زینت اولیای گذشته من است. پس از او پسر او، که شبیه جد محمودش است، محمد، که شکافنده علم، و معدن حکمت من است. زود باشد که هلاک شوند شک کنندگان در جعفر. رد کننده بر او مثل رد کننده بر من است. حق و ثابت است این سخن از من، که اکرام می کنم جایگاه جعفر را، و او را خوشحال می کنم در شیعیان و انصار و اولیای او. اختیار می کنم بعد از او موسی را در حالت فتنه، که اهل آن کور و در تاریکی اند؛ به واسطه آنکه رشته حجت من گسیخته نمی شود، و حجت من مخفی نمی گردد، و اولیای من از جام پر می آشامند. هر که یکی از ایشان را انکار نماید، انکار نعمت من نموده. و کسی که یک آیه از کتاب من تغییر دهد، بر من افترا کرده. ویل است برای مفتریان و جاحدان. نزدیک انقضای موسی، بنده، حبیب و برگزیده من، علی است که ولی من است، ناصر من است، و آن کس است که بارهای نبوت را بر او حمل کرده ام. او را امتحان کردم به قیام به آن. او را عفریت متکبری، (مأمون خلیفه علیه اللعنه) شهید خواهد کرد. و مدفون خواهد گردید در شهری که بنا کرد آن را، (یعنی طوس)، بنده صالح، (یعنی اسکندر ذوالقرنین)، در جنب بدترین خلق من، (یعنی هارون خلیفه علیه اللعنه). این سخن از من ثابت است، که او را خوشحال کنم به محمد پسر او، و خلیفه بعد از او، و وارث علم او. پس او معدن علم، موضع سر، و حجت من بر خلق من است. نگرود بنده به او، مگر آنکه بهشت را جای او کنم. و شفاعت او را در حق هفتاد کس از اهل بیت او قبول کنم، که مستوجب نار باشند. و ختم کنم به سعادت، برای پسر او، که ولی، ناصر دین، حجت من بر خلق و امین من بروحی من است. بیرون آورم از او، خواننده به راه خود را، و خازن علم خود، حسن را. و کامل گردانم او را به پسر او «م ح م د»، که رحمت برای عالمیان است. بر اوست کمال موسی، بهاء عیسی، و صبر ایوب. پس در زمان او اولیاء من خوار گردند، و سرهای ایشان به یکدیگر به هدیه فرستند، مثل سرهای ترک و دیلم. پس ایشان کشته شوند، و سوزانیده شوند، و همیشه خائف و مرعوب و وجل باشند، و زمین به خون های ایشان رنگ شود، و ویل و ناله در زنان ایشان فاش گردد، و اینان اولیاء منند. حقاً به ایشان دفع کنم هر فتنه بسیار شدید را، و به ایشان دفع می کنم

اعتبار سنجی احادیث انتصابی بودن امام در نسخه خطی «سَلَم در جلت»

زلزله ها، ائقال و اغلال را. بر ایشان باد صلوات از پروردگار ایشان و رحمت او. و آنانند راه یافتگان.

عبدالرحمان بن سالم گفت: که ابوبصیر گفت: اگر که نشنیدی در تمام دهر مگر همین حدیث را، تو را کافیسست پس آن را نگهدار مگر از اهلش. (قمی مشهدی، بیتا، ح مقدمه و نیز نک کلینی، ۱۳۶۵ش، ۵۲۷/۱).

در ذیل به جهت اعتبار سنجی حدیث به ذکر شواهد و متابعات فریقین و تحلیل سندی و متنی این حدیث پرداخته می شود:

۱-۱-۱- شواهد و متابعات حدیث لوح

حدیث لوح منقول در نسخه خطی دارای شواهد و متابعات با موافقت در لفظ و موافقت در معنا در مصادر فریقین می باشد که به شرح زیر است:

۱-۱-۱-۲ شواهد و متابعات در مصادر فریقین با موافقت در لفظ

در مصادر مهم و مطرح قدامی فریقین حدیث لوح جابر با موافقت در لفظ نقل شده، که به ترتیب، تا زمان مؤلف شامل:

مصادر شیعه:

۱- کافی (کلینی، ۱۳۶۵ش، ۵۲۷/۱)؛ ۲- عیون أخبار الرضا (صدوق، بیتا، ۴۱/۱)؛ ۳- الإمامة والتبصرة (صدوق، بیتا، ۱۰۳/۱)؛ ۴- کمال الدین (صدوق، ۱۳۹۵ش، ۳۰۸)؛ ۵- الهدایة الکبری (حصیبی، ۱۳۷۷ش، ۳۶۴/۱)؛ ۶- الغیبه (نعمانی، ۱۳۹۹ش، ۶۲/۱)؛ ۷- اختصاص (مفید، ۴۱۳ق/ب)، (۲۱۰/۱)؛ ۸- الغیبه (طوسی، ۱۴۱۱ق، ۱۴۳/۱)؛ ۹- إعلام الوری (طبرسی، ۱۳۷۶ش، ۱۷۴/۲)؛ ۱۰- جامع الأخبار (سبزواری، بیتا، ۱۸/۱)؛ ۱۱- احتجاج (طبرسی، ۱۴۲۱ق، ۶۷/۱)؛ ۱۲- إرشاد القلوب (دیلمی، ۱۳۷۱ش، ۲۹۰/۲)؛ ۱۳- صراط المستقیم (نباطی، ۱۳۸۴ش، ۱۳۷/۲)؛ ۱۴- إثبات الهداة (حر عاملی، ۱۴۲۲ق، ۲۵/۲)؛ ۱۵- إنصاف (بحرانی، ۱۳۷۸ش، ۴۹/۱)؛ ۱۶- بحار الأنوار (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۹۵/۳۶).

مصادر اهل سنت:

در کتب اهل سنت عین این حدیث با الفاظ آن ذکر نشده است؛ ولی مضامین این حدیث که به حدیث بشارت معروف است، در کتب آنها نقل شده است که در ادامه ذکر می گردد.

۲-۱-۱-۲ شواهد و متابعات در مصادر فریقین با موافقت در معنا:

حدیث لوح در روایات گوناگون با الفاظ مختلف با موافقت در معنا در کتب فریقین نقل شده است. که شامل:

مصادر شیعه:

۱- در کافی این حدیث با طریق نقل ذکر شده، یک بار از ابوبصیر (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ۵۸۷/۲ - ۵۹۳، ح ۳) و بار دیگر از ابی الجارود. (همان، ح ۹؛ مفید، ۱۴۱۳ق(الف)، ۳۴۶/۲) از امام صادق (ع) نقل شده است. ۲- در کمال الدین این حدیث به طرق مختلف نقل شده که: روایت اول از ابوبصیر (صدوق، ۱۳۹۵ ش، ۳۰۹/۱، ح ۱)، روایت دوم از جابر بن یزید جعفی (همان، ۳۱۰، ح ۲؛ صدوق، بیتا، ۵۱/۱)، روایت سوم از ابی الجارود (همان، ۳۱۲، ح ۳؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ۱۸۰/۴)، روایت چهارم از صفوان از اسحاق (همان، ۳۱۲، ادامه ح ۳؛ صدوق، بیتا، ۴۵/۱)، روایت پنجم از عبدالعظیم حسنی (همان، ۳۱۳، ادامه ح ۳؛ همان؛ طبرسی، ۱۳۷۶ ش، ۱۷۸/۲)، و روایت ششم از ابی الجارود به طریق دیگر (همان، ۳۱۳، ح ۴) از امام صادق (ع) نقل شده است. ۳- در الغیبه طوسی روایت اول از جابر بن یزید از امام باقر (ع) (طوسی، ۱۴۱۱ق، ۱۴۰)؛ و روایت دوم از ابوبصیر از امام صادق (ع) (همان)؛ و در امالی طوسی حدیث لوح از ابو محمد فحام با طریقی خاص، از محمد بن سنان از امام صادق (ع) (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۶۴۱/۱، ح ۱۳) نقل شده است؛ و ۴- در روضه فی الفضایل ابن شاذان با طریق خاص او، حدیث از ابو خالد کابلی از امام سجاد (ع) (ابن شاذان، ۱۴۲۳ق، ۱۱۳/۱) نقل شده، و این حدیث در کتاب اثبات الهداة حرعاملی نیز آمده است (حر عاملی، ۱۴۲۲ق، ۲۳۴/۲).

مصادر اهل سنت:

حدیث لوح با شباهت در معنا که در مصادر فریقین به حدیث بشارت معروف است؛ چه از نظر تعداد و چه از حیث محتوا از کثرت و تنوع فراوانی برخوردار است. تعدادی از آنها به شرح زیر است:

۱- احمد بن حنبل از ابن مسعود از رسول خدا (ص) نقل می‌کند: که تعداد خلفای بعد از پیامبر مانند نعباء بنی اسرائیل دوازده نفر است (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ۳۲۱/۶). ۲- بخاری از جابر بن سمره از رسول خدا (ص) نقل می‌کند: «يَكُونُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا، فَقَالَ كَلِمَةً لَمْ أَسْمَعْهَا، قَالَ أَبِي: إِنَّهُ قَالَ: كَلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ۸/۱۲۸). ۳- مسلم از جابر بن سمره از رسول خدا (ص) نقل می‌کند: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ، أَوْ يَكُونَ عَلَيْكُمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً، كَلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» (قشیری نیشابوری، ۱۴۱۲ق، ۳/۶). ۴- ترمذی از جابر بن سمره از رسول خدا (ص) آورده: «يَكُونُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا، قَالَ: ثُمَّ تَكَلَّمَ بِشَيْءٍ لَمْ أَفْهَمْهُ فَسَأَلْتُ الَّذِي يَلِينِي،

اعتبار سنجی احادیث انتصابی بودن امام در نسخه خطی «سلم درجات»

فَقَالَ: قَالَ: كَلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ (ترمذی، ۱۹۹۸م، ۵۰۱/۴). ۵- ابو داود به نقل از جابر بن سمره از رسول خدا (ص) نیز حدیث بشارت را با شباهت در الفاظ احادیث بالا، آورده است (سجستانی، ۱۴۲۰ق، ۳۳۵/۶). ۶- ابن کثیر این حدیث را به جهت تضعیف نقل کرده و در شرح حدیث بدون بیان ادله عقلی و نقلی، آن را توهم رافضیان و از نشانه های جهل و قلت عقل آنها دانسته است (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ۳/۶۵).

۱-۱-۲- اعتبار سنجی سندی و متنی حدیث لوح

برای اعتبار سنجی حدیث به جهت اثبات وثاقت سندی و صدوری، نیاز به تحلیل سندی و متنی روایت می باشد.

۱-۱-۲-۱- تحلیل سندی

این حدیث با موافقت در لفظ و معنا، با طرق متعدد در کتب فریقین ذکر شده است. در ذیل تنها به تحلیل و بررسی اسنادی پرداخته می شود که روایت آن دارای موافقت در لفظ با حدیث لوح منقول در نسخه خطی باشد. با بررسی های انجام شده در کتب رجالی معتبر فریقین و بررسی شرح حال راویان و طرق تحمل حدیث، این نتیجه حاصل شد که: ۱- هر دو سند منقول در کافی دارای رجالی است که مورد وثوق اکثر علمای رجالی متقدم بوده؛ و این اسناد معتبر و هر دو طریق آن صحیح می باشد (کلینی، ۱۳۶۵ش، ۱/۵۲۷). ۲- سند حدیث منقول در العیون، دارای دو طریق از پدر صدوق و محمد بن ولید از بکر بن صالح می باشد، که در اکثر کتب رجالی متقدم شیعه، نسبت به وثاقت رجال این سند تصریح شده، و این سند نیز معتبر و هر دو طریق آن صحیح می باشد (صدوق، بی تا (ب)، ۱/۴۱؛ صدوق، بی تا (الف)، ۱/۱۰۳؛ طبرسی، ۱۳۷۶ش، ۲/۱۷۴؛ سبزواری، بی تا، ۱/۱۸). همچنین در این کتاب سند دیگری به پنج طریق از بکر بن صالح آمده، که طریق «احمد بن موسی بن زیاد همدانی» به دلیل اشتراک نام دارای ضعف می باشد. ولی در بقیه طرق، به وثاقت همه رجال سند تصریح شده و همه اسناد دارای وثاقت سندی بوده و هر چهار طریق صحیح می باشد (صدوق، بی تا (الف)، ۱/۴۱). ۳- سند منقول در هدایه الکبری نیز از بکر بن صالح می باشد، که دارای دو طریق است که هر دو طریق به دلیل تصریح به وثاقت رجال آن دارای اعتبار می باشند (حصیبی، ۱۳۷۷ش، ۱/۳۶۴). ۴- سند منقول در اختصاص شیخ مفید دارای دو طریق از بکر بن صالح می باشد؛ که رجال هر دو طریق مورد توثیق بوده و سند آن معتبر است (مفید، ۱۴۱۳ق، ۱/۲۱۰). ۶- سند منقول در الغیبه طوسی دارای سه طریق از ابی بصیر می باشد که این سند نیز معتبر است (طوسی، ۱۴۱۱ق، ۱/۱۴۳).

نتیجه: غیر از طریق «احمد بن موسی» که به دلیل اشتراک نام ضعیف می‌باشد، بقیه طرق مورد قبول اکثر علمای رجالی بوده و از وثاقت سندی برخوردار است؛ البته ابن غضایری «عبدالرحمن بن سالم» را تضعیف کرده؛ و از نظر او هیچ کدام از اسناد مورد قبول نمی‌باشد. پس اسناد این حدیث مورد قبول اجماع علمای فریقین نبوده است؛ ولی اکثر علما، بیشتر اسناد حدیث را معتبر می‌دانند. ابن تیمیه در «مجموع فتاوی» می‌نویسد: «زیادی و تعدد راه‌های نقل حدیث، باعث تقویت برخی بر برخی دیگر می‌شود که خود زمینه علم به آن را فراهم می‌کند؛ اگر چه راویان آن فاسق و فاجر باشند» (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق، ۲۶/۱۸). از آنجایی که حدیث لوح از طرق متعدد و با الفاظ مختلف نقل شده؛ به همین دلیل اگر ضعفی در اسناد این حدیث باشد به سبب تواتر اجمالی نصوص ضعف آن جبران می‌گردد.

۱-۲-۲- تحلیل متنی

علی رغم اتفاق نظر علمای شیعه در قبول حدیث جابر و مصادیق دوازده امام، علمای اهل سنت به روایت بشارت درباره دوازده امام واکنش‌های مختلفی نشان داده‌اند، و درباره موارد زیر اختلاف نظر دارند: ۱- در اعتبار سند آنها؛ ۲- در تعیین مصداق دوازده امام؛ ۳- در پذیرش حضرت علی به عنوان یکی از اوصیاء؛ ۳- در امامت حضرت مهدی عج. قرائن و شواهدی که نشان از وثاقت صدور حدیث دارد شامل: ۱- این حدیث با نصوص قرآنی نظیر آیات تطهیر (الاحزاب/۳۳)، اطاعت اولی الامر (النساء، ۵۹)، قربی (الشوری، ۳۳)، صادقیه (التوبه، ۱۱۹)، تبلیغ (المائده، ۶۷)، مباحله (ال عمران، ۶۱) و ولایت (المائده، ۵۵) موافق بوده و مؤید هم می‌باشند. ۲- پیشگویی‌های مندرج در حدیث مطابق با واقعیت تاریخی و نشان از الهی بودن مصدر آن دارد. ۳- علمای شیعه در قبول حدیث لوح و بشارت اتفاق نظر داشته، ولی علمای اهل تسنن اختلاف نظر دارند. اتفاق اراء علمای شیعه بر اختلاف نظر علمای اهل سنت ارجحیت دارد؛ و نمی‌توان به استناد چند تن از علمای اهل سنت، کل حدیث یا بخشی از آن را ضعیف دانسته و حدیث را از اعتبار ساقط کرد. ۴- احادیث بشارت پیش از غیبت صغرا (۲۶۰)، در کتب حدیث اهل سنت ثبت شده؛ ولی کلیه احادیث هم مضمون آن در آثار دانشمندان شیعه در اواخر قرن سوم هجری به رشته تحریر درآمده؛ به همین دلیل افرادی همچون ابن کثیر نمی‌تواند ادعا کنند جعل این احادیث توسط شیعیان صورت گرفته است.

اعتبار سنجی احادیث انتصابی بودن امام در نسخه خطی «سَلَم در جلت»

نتیجه: تواتر اجمالی، تعدد طرق، موافقت مضمونی حدیث با آیات قرآن و اخبار متواتر، عقل و اجماع اکثریت علما و تلقی روایت به قبول، نقل روایت از سوی مشایخ ثلاثه، ذکر روایت با چند سند در یک کتاب، بودن روایت در جوامع ثلاثه، اعتماد قمیین و واقعیت تاریخی از قرائنی هستند که علم به صدور این حدیث را محرز، و نام ابی الانمه و ذریه مطهرشان به عنوان وصی و جانشینان پیامبر (ص) مشخص و از جانب خداوند تعیین گشته است (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: معارف، ص ۳۱-۴۷).

۲-۱- پرسش پیامبر اکرم (ص) از دو ثقل قرآن و اهل بیت:

دومین حدیث که دال بر انتصابی بودن امام است توسط ابن مشهدی در حدیث اول نسخه خطی از محمد بن علی بن بابویه از کتاب «نصوص بر ائمه اثنی عشر» نقل شده، که عمر گفت: شنیدم از رسول الله (ص) فرمود: ای مردم به درستی که من ... (در قیامت کنار حوض) از شما سوال می کنم، از آن دو ثقل و متاع و سبب نجات، که در میان شما گذاشته بودم. پس بنگرید که چگونه به من پاسخ می دهید؟ یک سبب بزرگ، کتاب خداست، که یک طرف آن به دست خداست و یک طرف دیگر آن به دست شما. پس به آن چنگ بزنید، و آن را تبدیل نکنید. و دیگری ذریه و اهل بیت من است. پس به درستی که این خبر را خدای لطیف خبیر به من داد، که این هر دو از هم جدا نمی شوند، تا آنکه در حوض بر من وارد شوند. من گفتم: یا رسول الله چه کس است عترت و ذریه تو؟ آن حضرت فرمود: که اهل بیت من، از اولاد علی و فاطمه و نه کس از اولاد حسین (ع)، که ایشان ائمه ابرار و ذریه، و از گوشت و خون من هستند (قمی مشهدی، بیتا، ح ۱؛ و نیز نک: خزاز، ۱۴۰۱ق، ۹۱/۱). شواهد و متابعات حدیث مذکور به شرح زیر است:

۲-۱-۱- شواهد و متابعات حدیث اول

این حدیث دارای شواهد و متابعاتی در مصادر فریقین با شباهت در لفظ و معنا می باشد که شامل:

۲-۱-۱-۱- شواهد و متابعات در مصادر فریقین با موافقت در لفظ:

مصادر مهم قدمای فریقین که حدیث اول نسخه خطی را با موافقت در لفظ نقل کرده اند، به ترتیب، تا زمان مؤلف به شرح زیر است:

مصادر شیعه:

- ۱- تفسیر قمی (قمی، ۱۳۶۳ش، ۳/۱)؛ ۲- مسترشد (محمد بن جریر طبری، ۱۴۱۵ق، ۱/۴۶۶)؛ ۳- مناقب (کوفی، ۱۴۲۳ق، ۲/۳۷۵)؛ ۴- تفسیر (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ۱/۴)؛ ۵- الغیبه (نعمانی، ۱۳۹۹ق، ۱/۴۲)؛ ۶- کفایه الاثر (خزاز، ۱۴۰۱ق، ۱/۱۲۷)؛ ۷- المحتضر (حلی، ۱۳۸۲ش، ۱/۱۹۹)؛

۸- برهان (بحرانی، ۱۴۱۷ق، ۱/۷۳، ۲۱، ۲۰)؛ ۹- انصاف (بحرانی، ۱۳۷۸ش، ۱/۱۲۰)؛ ۹- بحار الأنوار (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۵/۴۲، ۱۶۵، ۱۷۷؛ ۲۲/۶۵؛ ۲۳/۱۲۹، ۳۷/۱۲۱)؛ ۱۰- عوالم العلوم (عبدالله بحرانی، بیتا، ۱/۱۶۵).

مصادر اهل سنت: ۱- مسند (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ۱۷/۱۷۳)؛ ۲- الحوض والکوثر (ابن مخلد، ۱۴۱۳ق، ۱/۸۸)؛ ۳- معجم کبیر (طبرانی، ۱۴۱۵ق، ۳/۶۷)؛ ۴- تاریخ بغداد (خطیب، ۱۴۱۷ق، ۸/۴۴۳)؛ ۵- تاریخ دمشق (ابن منظور، ۱۴۰۲ق، ۱۷/۳۵۳؛ ۲۳/۱۵۵)؛ ۶- بدایه و نهایه (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ۱۱/۷۲)؛ ۷- مجمع الزوائد (هیثمی، ۱۶۴/۹)؛ ۸- جامع الاحادیث (سیوطی، بیتا، ۲۳/۱۵۸)؛ ۹- صواعق المحرقة (هیثمی، ۱۴۲۹ق، ۱/۱۰۹)؛ ۱۰- کنز العمال (متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ۱/۱۸۹)؛ (۲۹۰/۵)

۲-۱-۲- شواهد و متابعات در مصادر فریقین با موافقت در معنا

شواهد و متابعات این حدیث به ترتیب موافقت و غرابتشان در معنا نسبت به حدیث اول، به شرح زیر است:

مصادر شیعه:

شامل: ۱- کتاب سلیم (هلالی، ۱۴۰۷ق، ۲/۶۳۶)؛ ۲- بصائر الدرجات (صفار، ۱۴۰۴ق، ۱/۴۱۳)؛ ۳- صحیفه امام رضا (علی بن موسی (ع)، ۱۴۰۶ق، ۱/۵۹)؛ ۴- تفسیر قمی، ۱۳۶۳ش، ۱/۳)؛ ۵- مسترشد (محمد بن جریر طبری، ۱۴۱۵ق، ۱/۴۶۶ و ۵۵۹)؛ ۶- تفسیر عیاشی، ۱۳۸۰ش، ۱/۴)؛ ۸- رجال کشی (طوسی، ۱۳۴۸ش، ۱/۲۱۹)؛ ۹- کافی (کلینی، ۱۳۶۵ش، ۱/۲۹۳)؛ ۱۰- معانی الاخبار (صدوق، ۱۳۷۷ش، ۱/۹۰)؛ ۱۱- کمال الدین (صدوق، ۱۳۹۵ش، ۱/۲۳۶)؛ ۱۲- امالی (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۱/۲۵۵ و ۵۴۷)؛ ۱۳- مناقب امیر المؤمنین (کوفی، ۱۴۲۳ق، ۲/۱۶۷ و ۱۷۰)؛ ۱۴- شرح الأخبار (ابن حیون، ۱۴۰۹ق، ۲/۴۷۹)؛ ۱۵- کفایه الأثر (خزاز، ۱۴۰۱ق، ۱/۹۰ و ۹۴ و ۱۶۲)؛ ۱۶- مختصر البصائر (حلی، ۱۴۲۱ق، ۱/۲۶۲)؛ ۱۷- برهان (بحرانی، ۱۴۱۷ق، ۱/۲۱)؛ ۱۸- بحار الأنوار (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۳/۱۵۲)؛ ۱۹- اثبات الهداء (حر عاملی، ۱۴۲۲ق، ۲/۳۲۰).

مصادر اهل سنت:

۱- حوض و الکوثر (ابن مخلد، ۱۴۱۳ق، ۱/۸۸)؛ ۲- معجم کبیر (طبرانی، ۱۴۱۵ق، ۳/۶۷)؛ ۳- حلیه الأولیا (اصبهانی، ۱۳۹۴ق، ۱/۳۵۵)؛ ۴- مجمع الزوائد (هیثمی، ۱۴۱۴ق، ۱۰/۳۶۳؛ ۹/۱۶۵)؛ ۵- کنز العمال (متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ۱۴/۴۳۵؛ ۵/۲۸۹)؛ ۶- تاریخ دمشق (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق،

اعتبار سنجی احادیث انتصابی بودن امام در نسخه خطی «سلم درجت»

۸- بدایه و نهایه (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ۳۴۸/۷)، ۱۱- مسند (ابن حنبل، ۴۲۱ق، ۱۷۲/۱۷)،
۱۱- تاریخ بغداد (بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۴۴۶/۹)، ۱۲- جامع الاحادیث (سیوطی، بیتا، ۱۵۶/۲۳).

۱-۲-۲- اعتبار سنجی سندی و متنی حدیث اول

به جهت بررسی صحت و سقم احادیث لازم است علاوه بر بیان شواهد و متابعات، به اعتبار سنجی سندی و متنی احادیث نیز پرداخت تا وثاقت سندی و وثاقت صدور حدیث اثبات گردد.

۱-۲-۲-۱- تحلیل سندی

این حدیث با طرق مختلف در کتب و مصادر مطرح و مهم فریقین بیان شده است، که نتیجه تحلیل اسناد حدیث به شرح زیر می‌باشد: ۱- سند اول حدیث منقول در کفایه الاثر، به دلیل وجود «ابوحسین محمد بن منصور الهاشمی» که در کتب فریقین شرح حالی از ایشان یافت نشد؛ و «ابو ثابت المدنی» که به دلیل اشتراک نام قابل تمیز نیست؛ دارای ضعف می‌باشد (خزاز، ۱۴۰۱ق، ۹۱/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳۱۷/۳۶؛ عبدالله بحرانی، بیتا، ۱۶۵/۱۵) ۲- سند دوم حدیث منقول در کفایه الاثر نیز دارای ضعف می‌باشد؛ به دلیل وجود راویانی همچون اسماعیل بن محمد بن شیبه القاضی که مجهول الحال است، و محمد بن احمد بن الحسین و عبدالرحمن که به دلیل اشتراک نام و عدم تطبیق مشایخ و شاگردان آنها قابل شناسایی نیستند. ۳- سند حدیث منقول در الحوض و الكوثر ابن مخلد (از علمای اهل سنت)، به دلیل وجود اسماعیل بن عبدالله سمویه که مجهول الحال است دارای ضعف می‌باشد. (ابن مخلد، ۱۴۱۳ق، ۸۸/۱؛ هیثمی، ۱۴۱۴ق، ۳۶۳/۱۰) ۴- سند حدیث اول منقول در معجم کبیر طبرانی (علمای اهل سنت)؛ دارای سه طریق می‌باشد که رجال هر سه طریق موثق و همه اسناد معتبر و مورد قبول است؛ جز انماطی که ابو حاتم او را منکر الحدیث و ضعیف خواند (مزی، ۱۴۰۳ق، ۵۰/۱۰) ولی ابوحبان (سیوطی، ۱۴۲۰ق، ۱۵۶/۲۳) و علمای دیگر فریقین ایشان را توثیق کردند (طبرانی، ۱۴۱۵ق، ۶۷/۳). ۵- سند دوم حدیث منقول در معجم کبیر طبرانی (بدون در نظر گرفتن نظر ابو حاتم که انماطی را منکر الحدیث خوانده)؛ دارای رجالی موثق و سند معتبر و مورد قبول است. (همان، ۱۷۹/۳) ۶- سند منقول در حلیه الاولیا (کتب اهل سنت) (اصبھانی، ۱۳۹۴ق، ۳۵۵/۱)؛ مورد قبول و معتبر است البته ابن غضائری محمد بن احمد بن حمدان را به دلیل نقل از ضعفا، ضعیف می‌داند. (خویی، بیتا، ۳۴۴/۱۵)

نتیجه: این حدیث دارای دو سند در کتب شیعه و چهار سند به هفت طریق در کتب اهل سنت می‌باشد که به جز یک سند بقیه اسناد به دلیل وجود انماطی که توسط ابو حاتم تضعیف شده و تضعیف محمد بن حمدان توسط ابن غضائری قابل استناد نیستند.

۱-۲-۲-۱- تحلیل متنی

همه احادیث منقول در مصادر فریقین، در مضامین زیر دارای اشتراک می‌باشد: ۱- بیان قرآن و عترت به عنوان مصداق ثقلین، ۲- جدانشدن این دو تا روز قیامت، ۳- گمراهی و ضلالت در صورت جداسازی این دو، ۴- قدسی بودن روایت به نقل رسول الله (ص).

در برخی از احادیث منقول در کتب شیعه علاوه بر مضامین بالا، مفاهیم دیگری را نیز دارا می‌باشند که شامل: ۱- پیامبر علت تمسک به قرآن و عترت را محفوظ ماندن از طرد شدن خواننده و از قول خداوند خبر بازگشت امت خود به دوران گذشته و پیروی از آداب و عقاید پدرانشان که با دین مغایرت دارد، را می‌دهند. ۲- امامان دارای نوعی علم و فهم الهی هستند که از نوع علم بشری و آموختنی از استاد نیست. و آنان عین حق هستند و حق با آنان سنجیده خواهد شد. ۳- تعداد امامان برابر عدد نقبای بنی اسرائیل است که نه نفر آنها از فرزندان امام حسین (ع) هستند. ۴- زمان‌های ایراد حدیث متفاوت است. ابن حجر در *عَلَّتْ تَنَوُّعَ مَحَلِّ اِیْرَادِ حَدِیْثٍ* می‌گوید: «اینکه روایت از پیامبر (ص) از نظر زمان و مکان متعدّد نقل شده، نشان از آن دارد که پیوند قرآن و عترت برای پیامبر (ص) به قدری مهم بوده است که در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، هر فرصت پیش آمده را غنیمت می‌شمردند و آن را به صحابه اعلان می‌نموده‌اند» (*الصّواعق المحرقة، هیتمی، ۳۴۸؛ ر.ک: صدقی، ۱۳۹۴ش، ۱۳۷-۱۶۲*).

اصلی‌ترین تفاوت حدیث در کتب فریقین عدم ذکر مصداق اهل بیت عترت در کتب اهل سنت می‌باشد؛ هر چند طبرانی، در شرح حدیث مذکور که در آن نام حضرت علی (ع) به عنوان مولا ذکر نشده، با استناد به حدیث «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ»، بیان داشت که منظور از مولا در حدیث مذکور، حضرت علی (ع) است (طبرانی، ۱۴۱۵ق، ۱۷۹/۳). بدون ذکر مصداق اهل بیت در این حدیث در منابع اهل سنت، عملاً رسالت این حدیث ناتمام مانده؛ زیرا در قرآن و روایات در تعریف اهل بیت مصداق‌های متفاوتی برداشت می‌شود. به عنوان مثال: سلمان از اهل بیت شمره شده (کلینی، ۱۳۶۵ش، ۴۰۱/۱)، با وجود اینکه ایشان از خاندان نبی اکرم (ص) نیستند. قران پسر نوح را به دلیل عمل غیر صالح از اهل او خارج کرده (الهود/۶۷)، در حالی که ایشان از خاندان نوح می‌باشند. با این دو مثال، شاید این فکر به نظر آید که هر کس مانند سلمان دارای عمل صالح است، در دایره اهل بیت قرار دارد و هر کس مانند پسر نوح دارای عمل غیر صالح باشد، از محدوده اهل بیت خارج می‌شود. ولی در رد این نظر باید گفت که: در حدیث کسا، پیامبر ام سلمه را با وجود دارا بودن عمل صالح از دایره اهل بیت خارج کرده است. پس نمی‌توان گفت هر کس که اهل یک

اعتبار سنجی احادیث انتصابی بودن امام در نسخه خطی «سلم در جلت»

خانه یا از اقوام و خاندان باشد و یا عمل صالح داشته باشد مصداق اهل بیت هدایتگر است. پس اهل بیت باید چه ویژگی هایی داشته باشد تا در دایره محدود اهل بیت هدایتگر، وارد شود؟ در پاسخ باید گفت: اهل بیت تشخیص دادنی توسط بشر و تعیین شدنی توسط پیامبر و یا اشخاص دیگر نیست؛ بلکه باید مصداق آن تنها از جانب خداوند تعیین گردد. همانطور که برای شیعیان و برخی از علمای اهل سنت با رجوع به آیات و روایات متعددی همچون حدیث ثقلین، حدیث سفینه، حدیث نجوم، حدیث امان، حدیث کسا، حدیث لوح و روایات تفسیری ذیل آیات تطهیر، اطاعت اولی الامر، قربی، صادقیه، تبلیغ، مباحله و آیه ولایت واضح گردیده که اهل بیت، شامل حضرت علی (ع) و ذریه مطهر ایشان و نه نسل از فرزندان امام حسین (ع) است. از این رو آنان که اهل بیت را به زنان پیامبر یا به اقوام نسبی ایشان یا به خاندان بنی امیه و یا بنی عباس تخصیص می دهند، بدون دقت در معنای شرعی و اصطلاحی آن و تنها با توجه به معنای لغوی آن، این سخن را ذکر می کنند. در حالی که زنان پیامبر همچون ام سلمه و عایشه خود اعتراف دارند که اهل بیت پنج تن آل عبا هستند (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ۱۶۳/۲، ۱۶۴، ۶۴۲). و امیرالمومنین (ع) نیز به نقل از رسول الله (ص) مصداق اهل بیت را خودش، دو فرزندش و امامان از فرزندانش معرفی کرد (خزاز، ۱۴۰۱ق، ۱۵۶). و علمای اهل سنت همچون مسلم در صحیح (مسلم، ۱۴۰۷ق، ۱۸۸۳/۴ - ۲۴۲۴)، فخر رازی در تفسیر (رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۴۷/۸)، ترمذی در سنن (ترمذی، ۱۹۹۸م، ۶۹۹/۵) و حاکم نیشابوری در مستدرک (نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ۱۵۸/۳) در ذیل آیه تطهیر، علی، فاطمه، حسن و حسین را با نقل: «هؤلاء اهل بیتی». به عنوان اهل بیت معرفی کرده اند. (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: صدقی، ۱۳۹۴ش، ۱۳۷-۱۶۲).

به جهت اعتبار سنجی متنی حدیث اول نسخه خطی، مرحوم کلینی در کتاب کافی، حدیثی طولانی به نقل از امام صادق (ع) آورده، که در این حدیث امام صادق (ع) با عرضه حدیث ثقلین بر کتاب خدا و آیات ۳۳ الاحزاب، ۲۶ الاسراء، ۲۲ الشوری، ۸۲ النساء، ۶۹ المائده، ۲۳ الشوری و... به اعتبار بخشی این حدیث پرداخته، و حجیت و صحت آن حدیث را از طریق عرضه حدیث به قرآن ثابت کرده است (کلینی، ۱۳۸۷ش، ۸۲۳/۱). امام صادق (ع) به نقل از خدا از رسول الله (ص) فرمود: «جبرئیل نزد او آمد و گفت: ای محمد (ص) نبوت خود را گذراندی و عمرت به سر رسید، اکنون اسم اکبر و میراث علم و آثار علم نبوت باید نزد علی (ع) باشد، زمین را خالی از عالم و دانشمندی نگذاری که به وسیله او طاعت من معلوم شود و ولایت من شناخته گردد...» (همان). در این حدیث امام صادق (ع) هم از جهت نقلی و هم از جهت عقلی لزوم انتصاب افرادی به عنوان مولا بعد از پیامبر و خالی نبودن زمین از حجت از طرف خدا را ثابت کرده است.

حدیث اول نسخه خطی به دلیل وجود شواهد و متابعات فراوان در کتب فریقین دارای تواتر اجمالی است، هر چند همه علمای رجالی بر صحت اسناد این حدیث اتفاق نظر ندارند؛ ولی موافقت مضمونی این حدیث با قرآن، سنت نبوی، اجماع و عقل دلیل بر وثاقت صدوری و صحت حدیث می‌باشد.

حدیث بیست و پنجم نسخه خطی از شواهد و متابعات حدیث اول و سومین حدیث این نوشتار در اثبات انتصابی بودن امام می‌باشد که به اعتبار سنجی آن پرداخته می‌شود:

۳-۱- حضرت علی (ع) اولی به تصرف در کارهای امت؛

ابن مشهدی حدیث بیست و پنجم را از مناقب خوارزمی به نقل از سلمان آورده که از رسول الله (ص) شنید که می‌فرمود: همراه علی بن ابیطالب باشید، به درستی که او مانند من، اولی به تصرف در کارهای شماست. پس دوست دارید او را که او بزرگ شماست، تابع او شوید که عالم شماست، اکرام کنید او را که او کشاننده شما به سوی بهشت است. هر گاه شما را بخواند، او را تقویت و اجابت نمایید. و او را دوست بدارید، چنانچه مرا دوست می‌دارید. و اکرام کنید، چنانچه مرا اکرام می‌کنید. من به شما در باب علی چیزی نگفتم، مگر آن چیزی که خداوند بلند مرتبه مرا بدان امر کرده است. (قمی مشهدی، بیتا، ح ۲۵؛ و نیز نک: خوارزمی، ۱۴۱۱ق، ۳۱۷/۱) این حدیث دارای شواهد و متابعاتی می‌باشد که به شرح زیر است.

۱-۳-۱- شواهد و متابعات حدیث بیست و پنجم

حدیث بیست و پنجم دارای شواهد و متابعاتی با موافقت در لفظ در مصادر فریقین می‌باشد که عبارت است از:

۱-۳-۱-۱- شواهد و متابعات در مصادر فریقین با موافقت در لفظ

مصادر مهم و مطرح قدمای فریقین که حدیث بیست و پنجم را با موافقت در لفظ ذکر کرده‌اند، به ترتیب زمان، تا عصر مؤلف، شامل کتب زیر می‌باشد:

مصادر شیعه: ۱- مائه منقبة (ابن شاذان، ۱۴۰۷ق، ۱/۶۲)؛ ۲- کنزالفوائد (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ۲/۵۶)؛ ۳- تعریب کامل البهائی (محمد بن علی طبری، ۱۴۲۴ق، ۱/۳۰۵، ۲/۲۶۹)؛ ۴- تجرید الاعتقاد (نصیر طوسی، ۱۴۰۷ق، ۱/۲۸۹)؛ ۶- غرر الأخبار (دیلمی، ۱۴۲۷ق، ۱/۲۲۰)؛ ۷- غایة المرام (بیهقی، بیتا، ۱/۳۷)؛ ۸- إحقاق الحق (شوشتری، ۱۴۰۹ق، ۱۵/۱۲۷)؛ ۹- الاربعین (قمی شیرازی، ۱۴۱۸ق، ۱/۸۰)؛ ۱۰- بحار الأنوار (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۷/۱۱۲؛ ۳۸/۱۵۲).

اعتبار سنجی احادیث انتصابی بودن امام در نسخه خطی «سلم در جلت»

مصادر اهل سنت: مصادر مهم و مطرح قدمای اهل سنت به ترتیب زمانی که این حدیث با همین الفاظ در آن ذکر شده، شامل: ۱- مناقب (خوارزمی، ۱۴۱۱ق، ۳۱۷/۱)؛ ۲- مقتل الحسین (ع) (خوارزمی، ۱۴۲۳ق، ۷۳/۱)؛ ۳- فرائد السمطین (حموینی، ۱۴۰۰ق، ۷۸/۱)

۱-۲- اعتبار سنجی سندی و متنی حدیث بیست و پنجم

برای بررسی صحت و سقم حدیث به اعتبار سنجی سندی و متنی حدیث پرداخته؛ تا وثاقت سندی و صدوری حدیث احراز گردد.

الف) تحلیل سندی

این حدیث دارای دو سلسله سند می‌باشد که یک طریق آن در کتب شیعه و یک طریق در کتب اهل سنت می‌باشد. نتیجه تحلیل اسناد این سند به شرح زیر می‌باشد: ۱- سند منقول در مائه المنقبه (کتب شیعه)، دارای دو راوی است که توثیق و تضعیفی درباره آنها یافت نشد. و نظرات علمای فریقین درباره بقیه راویان این حدیث متفاوت است. و علمای شیعه و اهل سنت همه راویان این حدیث را ثقه نمی‌دانند (ابن شاذان، ۱۴۰۷ق، ۶۲/۱). ۲- سند منقول در مناقب خوارزمی، دارای دو طریق است که یکی از آنها به دلیل وجود برخی از راویان مجهول الحال، معتبر نیست؛ ولی طریق دیگر دارای راویانی است که مورد قبول فریقین می‌باشد (خوارزمی، ۱۴۱۱ق، ۳۱۷/۱). نتیجه: این حدیث دارای دو سلسله سند از سه طریق می‌باشد که یک طریق آن مورد قبول و معتبر می‌باشد.

ب) تحلیل متنی

یکی از عوامل رستگاری در آموزه های قرآنی، اطاعت خداوند و رسول گرامی (ص) است (النساء، ۱۳؛ الاحزاب، ۷۱)، و اطاعت رسول همسنگ اطاعت اولی الامر می‌باشد (النساء، ۵۹). و طبق حدیث جابر واژه «اولوا الامر» بر امامان شیعه از فرزندان امام علی (ع) و حضرت زهرا (س) دلالت دارد (کلینی، ۱۳۶۵ش، ۵۲۷/۱؛ العیون، بیتا (ب)، ۴۱/۱؛ بحرانی، ۱۴۲۲ق، ۱۰۸/۲)؛ یعنی اطاعت از خدا و رسول اکرم (ص) و امامان شیعه به موازات هم و لازم الاجرا می‌باشد.

به دلیل اهمیت موضوع شناخت اولی الامر برای رسیدن امت اسلامی به رستگاری، پیامبر اکرم (ص) از همان آغاز رسالت خود به معرفی اولی الامر پرداخته و با آیه انذار (الشعراء، ۲۱۴) شروع کرده و با حدیث غدیر و بسیاری دیگر از احادیث هم مضمون آنها، امام علی (ع) را به عنوان ولی و جانشین خود معرفی و اطاعت از ایشان را به جهت رسیدن به رستگاری، امر فرمودند. (کلینی، ۱۳۶۵ش، ۲۹۴/۱؛ ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ۷۷۹/۲) سفارش پیامبر (ص) درباره امام علی (ع) ریشه در امر الهی داشت، و هیچگاه پیامبر از جانب خود امری را به مردم ابلاغ نمی‌فرمود. از آنجایی که امر

الهی به جهت سعادت و کمال انسان صادر می گردد، اطاعت از امام علی (ع) نیز ریشه در سعادت عظیم انسان خواهد داشت.

حدیث منقول در نسخه خطی، علاوه بر تواتر اجمالی، به دلیل دارا بودن یک سند معتبر از وثاقت سندی برخوردار می باشد، همچنین به دلیل مطابقت با قرآن و سنت نبوی و ادله قطعی عقلی و اجماع علما و نداشتن معارض دارای وثاقت صدوری بوده است. بدان معنا که ولایت امام علی (ع) امری از جانب خداوند می باشد و به جهت رسیدن به رستگاری همراهی، تبعیت، اکرام، اجابت و اطاعت از ایشان لازم الاجرا است.

۱-۴-۱- عدم گمراهی در تمسک به حضرت علی (ع)

چهارمین حدیثی که دال بر انتصابی بودن امام در نسخه خطی است توسط ابن مشهدی در حدیث چهاردهم ذکر شده که او این حدیث را از کتاب حلیه الاولیاء به نقل از حسن بن علی (ع) آورده که رسول الله (ص) به ایشان فرمودند: سید عرب را برای من بخوان، و مقصود او علی بود. عایشه گفت: مگر تو سید عرب نیستی؟ حضرت فرمود: که من سید ولد آدمم، و علی سید عرب است. چون علی آمد، به طلب جماعت انصار فرستاد. ایشان که آمدند، حضرت فرمود: که ای گروه انصار دلالت کنم شما را بر چیزی که اگر به آن چنگ زنید بعد از آن هرگز گمراه نگردید؟ گفتند: آری یا رسول الله. فرمود: آن علی است. پس دوست دارید او را [همانطور] که مرا دوست می دارید. و اکرام کنید به او [همانطور که] به من اکرام می کنید. به درستی که جبرئیل مرا به آنچه گفتم به شما از جانب خدا امر کرده است (ابن مشهدی، ح ۱۴؛ و نیز نک: اصبهانی، ۱۳۹۴ش، ۱/۶۳). این حدیث دارای شواهد و متابعاتی به شرح زیر می باشد:

۱-۴-۱- شواهد و متابعات حدیث چهاردهم

حدیث چهاردهم دارای شواهد و متابعاتی با موافقت در لفظ و معنا در مصادر فریقین می باشد:

۱-۴-۱-۱- شواهد و متابعات در مصادر فریقین با موافقت در لفظ

مصادر مهم و مطرح قدمای فریقین که حدیث چهاردهم نسخه خطی را با موافقت در لفظ نقل کرده اند، به ترتیب، تا زمان مؤلف به شرح زیر است:

مصادر شیعه: ۱- مناقب (کوفی، ۱۴۲۳ق، ۲/۵۱۱)؛ ۲- مناقب (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۰ش،

۱۳/۳)؛ ۳- کشف الغمه (اربلی، ۱۳۸۱ش، ۱/۱۱۱)؛ ۴- بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴۰/۸۲،

اعتبار سنجی احادیث انتصابی بودن امام در نسخه خطی «سَلَم در جلت»

مصادر اهل سنت: ۱- معجم کبیر (طبرانی، ۱۴۱۵ق، ۸۸/۳)؛ ۲- حلیة الأولیاء (اصبهانی، ۱۳۹۴ش، ۶۳/۱)؛ ۳- شرح نهج البلاغه (ابن أبی الحدید، ۱۴۰۴ق، ۱۷۰/۹)؛ ۴- ریاض النضره (طبری، ۱۴۲۴ق، ۱۳۷/۳)؛ ۵- جامع المسانید والسنن (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ۴۷۹/۲)؛ ۶- مجمع الزوائد (هیثمی، ۱۴۱۴ق، ۱۳۲/۹)؛ ۷- جامع الأحادیث (سیوطی، بیتا، ۱۰۲/۲۳)؛ ۸- کنز العمال (متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ۶۱۹/۱۱)؛ ۹- سمط النجوم (عصامی مکی، ۱۴۱۹ق، ۴۰/۳)

۱-۴-۲- شواهد و متابعات در مصادر فریقین با قرابت در معنا

از شواهد و متابعات در مصادر فریقین که از لحاظ مضمونی با حدیث چهاردهم قرابت دارد، می توان حدیث ثقلین را ذکر کرد، که موید حدیث چهاردهم می باشد. حدیث ثقلین در حد تواتر و از طرق متعدد در کتب معتبر و مطرح قدمای فریقین نقل شده و از اعتبار کافی برخوردار است. (کلینی، ۱۳۶۵ش، ۲۹۴/۱؛ خزاز، ۱۴۰۱ق، ۹۰۹۴/۱؛ امالی، ۱۴۱۴ق، ۲۵۵/۱ و ۵۴۷؛ ابن حنبل، ۱۴۰۳ق، ۷۷۹/۲؛ مسلم، ۱۴۰۷ق، ۱۸۷۳/۴؛ ترمذی، ۱۹۹۸م، ۱۳۳/۹).

نتیجه: وجود شواهد و متابعات فریقین با موافقت در لفظ و معنا نشانه وجود تواتر اجمالی در حدیث می باشد.

۱-۴-۲- اعتبار سنجی سندی و متنی حدیث چهاردهم

برای بررسی صحت و سقم حدیث علاوه بر اثبات تواتر اجمالی به اعتبار سنجی سندی و متنی حدیث پرداخته؛ تا وثاقت سندی و صدور حدیث احراز گردد.

۱-۴-۲-۱- تحلیل سندی

این حدیث با طرق مختلف در مصادر فریقین ذکر شده که نتیجه تحلیل اسناد آن به شرح زیر است: ۱- سند منقول در مناقب کوفی (از علمای شیعه)؛ (کوفی، ۱۴۲۳ق، ۵۱۱/۲)؛ معتبر نیست؛ زیرا طریق شیخ برای یحیی بن عبد الحمید الحمانی ضعیف است. (خوبی، بیتا، ۶۴/۲۱). ولی خطیب بغدادی او را ثقه می داند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۱۷۴/۱۴)؛ و ابن عیینه و نسائی، لیث بن أبی سلیم را ضعیف، احمد و ابوحاتم و ابوزرعه او را «مضطرب الحدیث»، و سعدی او را «یضعف حدیث» دانستند و ابن حبان گفت: او در آخر عمر دچار اختلاط و دگرگونی اسانید شد و احادیث را به ثقاتی رفع می داد که احادیث از آنها نبود (ذهبی، ۱۴۲۷ق، ۳۱۴/۶). ۲- سند منقول در معجم کبیر طبرانی (از علمای اهل سنت) نیز معتبر نیست؛ زیرا ابراهیم بن اسحاق الصّینی مجهول الحال است (طبرانی، ۱۴۱۵، ۸۸/۳). ۳- سند منقول در حلیة الاولیاء ابو نعیم از علمای اهل سنت نیز به دلیل وجود ابراهیم بن اسحاق الصّینی مجهول الحال، دارای ضعف است (اصبهانی، ۱۳۹۴ق، ۶۳/۱).

نتیجه: هر سه سند دارای رارویان مجهول الحال بوده و قابل استناد نیست. برای بدست آوردن صحت و سقم این حدیث باید قرائن و نشانه های متنی تحلیل شود.

۱-۲-۲-تحلیل متنی

حدیث چهاردهم نسخه خطی که در معنا با حدیث ثقلین دارای قرابت است، عدم گمراهی را در تمسک به قرآن و امام علی (ع) توأمان نقل کرده؛ و در حدیث ثقلین عدم گمراهی را در تمسک به قرآن و اهل بیت معرفی کرده است؛ یعنی قدر مشترک حدیث ثقلین و حدیث چهاردهم آن می شود که یکی از مصادیق اصلی عترت علیهم السلام، امام علی (ع) است که پیروی از او مایه رستگاری می باشد. در کتب برخی از علمای اهل سنت به جای کلمه «عترت»، «سنت» آمده است. ولی تمام شیعیان و اکثر علمای اهل سنت بر کلمه «عترت» اتفاق نظر دارند. مثلاً مسلم و ترمذی هر دو بر لفظ «عترت» تأکید می کنند. (قشیری نیشابوری، ۱۴۱۲ق، ۱۸۷۳/۴؛ ترمذی، ۱۹۹۸م، ۱۳۳/۹). بر فرض این که به جای «عترت»، کلمه «سنت» درست باشد، باز تفاوتی ندارد؛ چون طبق روایات مطرح شده در بالا، قبول ولایت و امامت امام علی (ع) از مسلمات و سنت قطعی نبوی می باشد، که خداوند بدان امر فرموده است. خداوند انسان را به کاری امر نمی کند مگر آنکه سعادت و رستگاری در آن لحاظ شده باشد.

از آنجایی که این حدیث با حدیث ثقلین مقاربت دارد و با توجه به شواهد و متابعات فریقین به حد تواتر رسیده، و همچنین به دلیل موافقت مضمونی با کتاب خدا، سنت نبوی و اجماع علما دارای وثاقت صدوری است؛ این حدیث از اعتبار کافی برخوردار است، هر چند که سند آن مخلدوش باشد.

نتیجه: این حدیث معتبر نیز اثبات می کند که انتصاب ابی الائمه (ع) به عنوان امام، ولی و جانشین هدایتگر بعد از رسول الله (ص) از جانب خداوند بوده و اطاعت امر ایشان به جهت رسیدن به رستگاری ابدی، لازم الاجرا می باشد.

نتیجه

۱- به دلیل وجود شواهد و متابعات فریقین، احادیث در باب انتصابی بودن امام از تواتر اجمالی برخوردار بوده است.

۲- در تحلیل متنی محرز گردید که احادیث انتصابی بودن امام که مورد قبول همه علمای شیعه و تعداد قابل توجهی از علمای اهل سنت می باشد، از وثاقت صدوری برخوردار است.

اعتبار سنجی احادیث انتصابی بودن امام در نسخه خطی «سَلَم درجات»

۳- در بررسی های سندی این نتیجه بدست آمد که اعتبار مطلق اسناد احادیث، به ندرت مورد اجماع علمای فریقین می باشند و اعتبار سنجی سندی به تنهایی نمی تواند دلیل متقنی برای بیان صحت و سقم احادیث باشد.

۴- آنچه علم حاصل شد آن است که امامت عهدی الهی است که بعد از رسول الله (ص) به ابی الاثم (ع) و ذریه مطهر ایشان اعطا گردید؛ و هیچ فرد، گروه و یا شورایی نمی تواند امام و خلیفه بعد از رسول الله را مشخص کند و یا برای اهل بیت عصمت و طهارت مصداقی معرفی کند؛ حتی خود رسول خدا و امام قبل نیز اختیار انتخاب و انتصاب کسی را به عنوان امام در مقام امامت ندارند؛ زیرا این مصادیق از جانب خداوند از قبل معرفی شده است.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید بن هبه الله، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، ناشر: مکتبه مرعشی نجفی (ره).
۲. ابن تیمیه حرانی، أحمد عبد الحلیم، (۱۴۱۶ق)، مجموع الفتاوی، عبد الرحمن عاصمی، مدینه: مجمع الملک فهد.
۳. شاذان قمی، شاذان بن جبرئیل، (۱۴۲۳ق)، روضه فی فضائل أمير المؤمنين، علی شکرچی، قم: مکتبه الامین.
۴. ابن شاذان قمی، محمد بن احمد، (۱۴۰۷ق)، مائه المنقبه، محمد باقر ابطحی، طبع مطبعة الامیر.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۹۰ش)، مناقب، مؤسسه انتشارات علامه.
۶. ابن عساکر، علی بن الحسن، (۱۴۱۵ق)، تاریخ دمشق، عمرو بن غرامه العمری، دار الفکر.
۷. ابن کثیر، إسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق)، البدایة والنهایة، الناشر: دار الفکر.
۸. ---- (۱۴۱۹ق)، جامع المسانید، عبد الملک الدهیش، بیروت: دار خضر.
۹. ابن منجویة، أحمد بن علی، (۱۴۰۷ق)، رجال صحیح مسلم، عبد الله اللیثی، بیروت: دار المعرفة.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۲ق)، مختصر تاریخ دمشق، روحیه نحاس، دمشق: دار الفکر.
۱۱. ابن حجر هیتمی، احمد بن محمد، (۱۴۲۹ق)، صواعق المحرقة، عبدالرحمن ترکی، مصر: مکتبه فیاض.

١٢. ابن حیون، نعمان بن محمد، (١٤٠٩ق)، *شرح الأخبار*، محمد حسینی جلالی، قم: جماعة مدرسين.
١٣. اربلی، علی بن عیسی (بیتا)، *کشف الغمّة*، علی بن حسن زوارهای و دیگران، تهران: اسلامیه.
١٤. أصبهانی، احمد بن عبد الله، (١٣٩٤ش)، *حلیة الأولیاء وطبقات الأصفياء*، بیروت: دار الكتاب العربی.
١٥. هلالی، سلیم بن قیس، (١٤٠٧ق)، *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، علاءالدین موسوی، تهران: مؤسسه البعثة.
١٦. بحرانی، هاشم، (١٤٢٢ق)، *غایة المرام وحجة الخصام*، علی عاشور، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
١٧. ----- (١٣٧٨ش)، *الانصاف فی النص علی الائمة*، هاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
١٨. ----- (١٤١٧ق)، *برهان فی تفسیر القرآن*. قم: مؤسسه البعثه، قسم الدراسات الاسلامیه.
١٩. بحرانی أصفهانى، عبد الله، (بیتا)، *عوامل العلوم و المعارف*، مؤسسه الإمام المهدي.
٢٠. بخاری جعفی، محمد بن إسماعیل، (١٤٢٢ق)، *صحیح*، محمد زهیر ناصر، دار طوق النجاة.
٢١. ترمذی، محمد بن عیسی، (١٩٩٨م)، *سنن ترمذی*، بشار عواد معروف، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
٢٢. تفتازی، مسعود بن عمر، (١٤١٢ق)، *شرح المقاصد فی علم الکلام*، عبدالرحمن عمیره، قم: الشریف الرضی.
٢٣. حافظ مزی، یوسف بن عبد الرحمن، (١٤٠٣ق)، *تهذیب الکمال*، بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسه الرساله.
٢٤. حرّ عاملی، محمد بن حسن، (١٤٢٢ق)، *إثبات الهداة*، بیروت: مؤسسه الأعلمی.
٢٥. ----- (١٤١٦ق)، *تفصیل وسائل الشیعة*، محمد رضا حسینی جلالی، قم: مؤسسه ال البيت لاحیاء التراث.
٢٦. حصیبی، حسین بن حمدان، (١٣٧٧ش)، *الهدایة الکبری*، بیروت: مؤسسه البلاغ.
٢٧. حلّی، حسن بن سلیمان، (١٤٢١ق)، *مختصر البصائر*، مشتاق مظفر، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

اعتبار سنجی احادیث انتصابی بودن امام در نسخه خطی «سَلَم درجات»

۲۸. -----، (۱۳۸۲ش)، المحتضر، علی اشرف، قم: مکتبه حیدریه، ۱۳۸۲.
۲۹. حموی جوینی، ابراهیم بن محمد، (۱۴۰۰ق)، *فرائد السمطين*، محمدباقر محمودی، مؤسسه
المحمودی.
۳۰. حنبل، أحمد بن محمد، (۱۴۰۳ق)، *فضائل الصحابة*، وصی الله محمد عباس، بیروت: مؤسسه
رسالة.
۳۱. -----، (۱۴۲۱ق)، *مسند أحمد بن حنبل*، الأرنؤوط، عادل مرشد، و دیگران، مؤسسه رسالة.
۳۲. خزاز قمی، علی بن محمد، (۱۴۰۱ق)، *کفایه الاثر*، لطیف حسینی کوه کمری، قم: انتشارات
بیدار.
۳۳. بغدادی، أحمد بن علی، (۱۴۱۷ق)، *تاریخ بغداد*، و ذیوله، مصطفی عبد القادر، بیروت: دار
الکتب العلمیة.
۳۴. خوارزمی، موفق بن احمد، (۱۴۱۱ق)، *المناقب*، محقق: مالک محمودی، مؤسسه نشر اسلامی.
۳۵. -----، (۱۴۲۳ق)، *مقتل الحسین علیه السلام*، محمد سماوی، انوار الهدی.
۳۶. خوئی، ابوالقاسم، (بیتا)، *معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة*، نجف: مؤسسه خوئی.
۳۷. دیلمی، حسن بن محمد، (۱۳۷۱ش)، *إرشاد القلوب*، قم: شریف رضی.
۳۸. -----، (۱۴۲۷ق)، *غرر الاخبار و دُرر الآثار فی مناقب ابی الائمة الاطهار*، اسماعیل ضیغم،
قم: دلیل ما.
۳۹. ذهبی، محمد بن أحمد، (۱۴۲۷ق)، *سیر اعلام النبلاء*، قاهره: دار الحديث.
۴۰. رازی، فخر الدین، (۱۴۲۰ق)، *تفسیر کبیر*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۱. رضا، محمد رشید، (بیتا)، *الخلافة*، قاهره: الزهراء للاعلام العربی.
۴۲. سیزواری، محمد بن محمد، (بیتا)، *جامع الأخبار*، علاء آل جعفر، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء
التراث.
۴۳. سجستانی، أبو داود سلیمان بن الأشعث، (۱۴۲۰ق)، *سنن أبي داود*، محمد محیی الدین،
بیروت: دارالفکر.
۴۴. سخاوی، محمد بن عبد الرحمن، (۱۴۰۵ق)، *مقاصد الحسنة*، محمد خشت، بیروت: دار الكتاب
العربی.
۴۵. سیوطی، عبد الرحمن بن أبی بکر، (۱۴۲۴ق)، *تدریب الراوی*، عبدالکریم احمد، ریاض،
دارالعاصمه.

۴۶. -----، (بیتا)، *جامع الأحادیث*، بإشراف علی جمعة، طبع علی نفقة: حسن عباس زکی.
۴۷. شوشتری، نورالدین، (۱۴۰۹ق)، *إحقاق الحق و إزهاق الباطل*، نور الله مرعشی، قم: مکتبه مرعشی نجفی.
۴۸. صدقی آلتق، محمد، (۱۳۹۴ش)، «*آرای دانشمندان فریقین درباره اهل بیت (ع) در حدیث تقلین*»، سراج منیر، دانشگاه علامه طباطبایی، مقاله ۶، دوره ۶، شماره ۱۸، بهار ۱۳۹۴، صفحه 137-162.
۴۹. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۷ق)، *امالی*، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه، قم: مؤسسه البعثة.
۵۰. ----- (بیتا الف)، *الإمامة والتبصرة من الحيرة*، محقق: مدرسه إمام مهدی «عج».
۵۱. -----، (۱۳۹۵ش)، *کمال الدین و تمام النعمة*، علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۵۲. -----، (۱۴۱۳ق)، *من لا يحضره الفقيه*، علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵۳. ----- (بیتاب)، *عیون أخبار الرضا*، مهدی لاجوردی، تهران: جهان.
۵۴. -----، (۱۳۷۷ش)، *معانی الأخبار*، علی اکبر غفاری و عبدالعلی محمدی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۵۵. -----، (۱۴۱۸ق)، *الهدایة (فی الاصول و الفروع)*، مؤسسه امام مهدی (ع)، قم: مؤسسه امام مهدی.
۵۶. صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات*، محسن کوچه باغی، قم: مکتبه مرعشی نجفی.
۵۷. طبرانی، سلیمان بن أحمد، (۱۴۱۵ق)، *معجم کبیر*، حمدی بن عبد المجید، قاهره: دار النشر.
۵۸. طبرسی، أحمد بن علی، (۱۴۲۱ق)، *احتجاج*، محمد باقر خراسان، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۵۹. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۶)، *اعلام الوری بأعلام الهدی*، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
۶۰. طبری آملی، محمد بن علی، (بیتا)، *تعریب کامل البهائی*، ناشر: المکتبه الحیدریه.
۶۱. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۳ق)، *دلایل الامامه*، مؤسسه البعثة، قم: مؤسسه البعثة.
۶۲. -----، (۱۴۱۵ق)، *المسترشد*، احمد محمودی، قم: کوشانپور.

اعتبار سنجی احادیث انتصابی بودن امام در نسخه خطی «سلم درجات»

۶۳. طبری، أحمد بن عبد الله، (۱۴۲۴ق)، *ریاض النضره فی مناقب العشره*، دار الکتب العلمیه.
۶۴. طوسی، محمد بن حسن، (بیتا)، *عده الأصول*، بی‌نا.
۶۵. ----، (۱۳۴۸ش)، *اختیار معرفه الرجال*، مهدی رجائی، مشهد: دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۶۶. ----، (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: دار المعارف اسلامی.
۶۷. ----، (۱۴۱۴ق)، *امالی*، مؤسسه بعثت، قم: دار الثقافه.
۶۸. طوسی، نصیرالدین محمد بن محمد، (۱۴۰۷ق)، *تجرید الاعتقاد*، تهران: مکتب الاعلام الاسلامی.
۶۹. عاصمی مکی، عبد الملك بن حسین، (۱۴۱۹ق) *سمط النجوم*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۷۰. علی بن موسی (ع)، (۱۴۰۶ق) *صحیفه امام رضا (ع)*، محمد مهدی نجف، مشهد: کنگره امام رضا (ع).
۷۱. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ش) *تفسیر عیاشی*، هاشم رسولی محلاتی، تهران: مطبعه العلمیه.
۷۲. قرطبی، بقی بن مخلد، (۱۴۱۳ق)، *حوض و الکوتر*، محمد عطا صوفی، مدینه: مکتبه العلوم.
۷۳. قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج، (۱۴۱۲ق)، *صحیح*، محمدفواد عبدالباقی، قاهره: دار الحدیث.
۷۴. قمی شیرازی، محمد طاهر، (۱۴۱۸ق)، *اربعین فی امامه الائمه الطاهرین*، مطبعه الامیر.
۷۵. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، (بی تا)، *سلم درجات الجنه فی معرفه فضایل ابی الأئمه*، بی‌نا.
۷۶. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳ش)، *تفسیر قمی*، طیب جزایری، قم: دار الکتاب.
۷۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۷ش)، *اصول کافی*، مهدی آیت‌اللهی، تهران: جهان آرا.
۷۸. ----، (۱۳۶۵ش)، *کافی*، علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۷۹. کراجکی، محمد بن علی، (۱۴۱۰ق)، *کنز الفوائد*، عبدالله نعمت، قم: دار الذخیر.
۸۰. کوفی، محمد بن سلیمان، (۱۴۲۳ق)، *مناقب الإمام علی بن ابی طالب (ع)*، محمد باقر محمودی، قم: مجمع احیاء فرهنگ اسلامی.
۸۱. گروهی از نویسندگان، (۱۳۶۳ش)، *الأصول الستة عشر*، قم: دار الشبستری للمطبوعات.
۸۲. متقی هندی، علی بن حسام الدین، (۱۴۰۱ق)، *کنز العمال*، مؤسسه رساله.

۸۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، ناشر: مؤسسه الوفاء.
۸۴. مدیر شانه چی، کاظم، (۱۳۷۷ق)، *علم الحدیث و درایه الحدیث*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸۵. معارف، مجید، خمارلو، مهین، «تحقیق و بررسی موضوعی حدیث قدسی لوح حضرت زهرا (س)»، سفینه، ص ۳۱-۴۷.
۸۶. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق الف) *الإرشاد*، مؤسسه آل البيت (ع)، قم: کنگره شیخ مفید.
۸۷. ---، (۱۴۱۳ق ب)، *الإختصاص*، علی اکبر غفاری و محمود محرمی، قم: کنگره شیخ مفید.
۸۸. نباطی بیاضی، علی بن یونس (۱۳۸۴ش)، *الصراط المستقیم*، محمد باقر بهبودی، تهران: مکتبه مرتضویه.
۸۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۹ق)، *الغیبه*، علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق.
۹۰. نیشابوری، محمد بن عبد الله، (۱۴۱۱ق)، *مستدرک*، مصطفی عطا، الطبعة: الأولى، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۹۱. هیثمی، علی بن ابی بکر، (۱۴۱۴ق)، *مجمع الزوائد ومنیع الفوائد*، حسام الدین قدسی، قاهره: مکتبه القدسی.